خبرخوان

## جلوگیری از ورود افراد بیمار به کشور

**ایسنا:** مسئولان اورژانس و هلال‌احمر کشور اعلام کردند: «زائران افغانستانی و پاکستانی که قصد عبور از کشور ما برای رسیدن به کشور عراق را دارند، غربالگری شده و واکسیناسیون می‌شوند تا بیماری جدیدی وارد کشور نشود». جعفر میعادفر، رئیس سازمان اورژانس کشور، با اشاره به مرزهای شرقی کشور و ورود زائران پاکستانی و افغانستانی برای شرکت در مراسم اربعین ۱۴۰۴ گفت: «زائران پاکستانی و افغانستانی از مرزهای ریمدان و میرجاوه برای شرکت در مراسم اربعین و رسیدن به کشور عراق از کشور ما عبور خواهند کرد. بر همین اساس، باید ملاحظات پزشکی در این مرزها نیز انجام شود».

او ادامه داد: «ما جلساتی با سران این کشورها داشتیم؛ زیرا باید استانداردهای ما را برای ورود به کشور رعایت کنند. برای مثال، در کشور ما بسیاری از بیماری‌ها ریشه‌کن شده و برای جلوگیری از شیوع مجدد آنها، حتما مراقبت‌های لازم را در مرزها انجام می‌دهیم که اگر فردی از این میهمانان بیماری خاصی دارد، وارد کشور نشود. همچنین اگر کسی واکسیناسیون نشده باشد، در مرز واکسن دریافت می‌کند». براساس اعلام میعادفر، اگر کسی از این افراد بیماری جدیدی داشته باشد، با هماهنگی با وزارت خارجه از ورود این افراد به کشور جلوگیری می‌شود و این ملاحظات قطعا در نظر گرفته می‌شود.

برای مثال، در برخی از این کشورها بیماری پشه آئدس همه‌گیر است؛ درحالی‌که ما موردی از آن در کشور نداریم، برای همین قطعا مراقب خواهیم بود که کسی با این بیماری وارد کشور نشود. در همین راستا ۲۴۰ بیماریاب، کار نظارت را انجام خواهند داد.

## شهادت ۱۲۴ محیط‌بان

**ایلنا:** فرمانده یگان حفاظت محیط زیست اعلام کرد: «سازمان حفاظت محیط زیست تاکنون ۱۲۴ شهید و جان‌باخته داشته که از این تعداد تا به حال ۴۹ نفر احراز شده‌اند و پرونده‌هایشان در حال تکمیل است».

رضا رستگار، درباره بررسی قانون به‌کارگیری سلاح در مجلس گفت: «قانون حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط زیست، قانونی مصوب سال ۱۳۹۹ است و قانون به‌کارگیری سلاح ویژه نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۳ است که اکنون به دلیل گذشت زمان و بروز مسائل و مشکلات، نیاز به روزآمدسازی، اصلاحات ساختاری و بازنگری دارد. این موضوع یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود؛ چراکه قانون فعلی پاسخ‌گوی نیاز محیط‌بانان عزیز ما نیست. ما باید با همکاری حقوق‌دانان، دانشگاهیان و استادان دانشگاه، نشست‌هایی داشته باشیم و به بحث درباره این موضوع بپردازیم؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه لایحه مربوطه در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال رسیدگی است».

رستگار ادامه داد: «در این زمینه پیگیری‌های لازم انجام خواهد شد تا محیط‌بانان بتوانند از این قانونی که در حال حاضر وجود دارد، فراتر رفته و با رعایت اصول و معیارهای کار، آموزش‌های لازم را دریافت کنند و حقوق شهروندی را نیز مورد توجه قرار دهند. هدف ما این است که بتوانیم از سلاح‌های خود براساس قانون به‌کارگیری سلاح که واقعا برای محیط‌بانان کارآمد و مفید است، استفاده کنیم. امیدواریم بتوانیم این قانون را به شکلی پیش ببریم که واقعا بحث حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط زیست کشور به صورت عملیاتی اجرا شود».

## غربالگری هپاتیت در معتادان از اواخر شهریور

**ایسنا:** رئیس اداره کنترل و مبارزه با هپاتیت وزارت بهداشت با بیان اینکه گروه‌های پرخطر مشمول بیماریابی «فعال» هپاتیت می‌شوند، گفت: «از اواخر شهریورماه، تست رایگان هپاتیت در مراکزی که خدمات درمان اعتیاد در اختیار معتادان قرار می‌دهند، انجام می‌شود».

هنگامه نامداری با بیان اینکه بیماریابی بیماری هپاتیت به دو روش انجام می‌شود، افزود: «بیماریابی «فعال» و «غیرفعال» روش‌های تشخیصی و شناسایی مبتلایان به هپاتیت است. هنگامی که سیستم بهداشتی و درمانی نسبت به غربالگری و شناسایی افراد مبتلا به هپاتیت اقدام می‌کند، منظور بیماریابی «فعال» است. همچنین این احتمال وجود دارد که برخی افراد به صورت داوطلبانه به منظور غربالگری هپاتیت به پزشکان یا مراکز درمانی مراجعه کنند. مراجعه داوطلبانه برای غربالگری بیماری، بیماریابی غیرفعال است».

او با بیان اینکه برخی افراد جزء گروه‌های پرخطر در مواجهه با بیماری هپاتیت به حساب می‌آیند، ادامه داد: «گروه‌های پرخطر مشمول بیماریابی فعال می‌شوند. در نظام بهداشتی و درمانی کشور غربالگری هپاتیت برای بیماران مبتلا به هموفیلی، تالاسمی و دیالیزی به صورت صددرصدی است و برنامه غربالگری این بیماران سالانه تکرار می‌شود». نامداری درباره برنامه غربالگری هپاتیت برای معتادان تزریقی گفت: «افرادی که رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد تزریقی یا سایر رفتارهای پرخطر را دارند، در کانون توجه وزارت بهداشت قرار گرفته‌اند.

براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، تست رایگان هپاتیت در مراکزی که خدمات درمان اعتیاد در اختیار معتادان قرار می‌دهند از اواخر شهریور ارائه می‌شود». رئیس اداره کنترل و مبارزه با هپاتیت وزارت بهداشت درباره بیماریابی غیرفعال این بیماری نیز توضیح داد: «افرادی که جزء جمعیت عمومی جامعه هستند، در مواجهه با هپاتیت جزء گروه‌های پرخطر به حساب نمی‌آیند. جمعیت عمومی جامعه با مراجعه به پزشکان یا مراکز درمانی می‌توانند نسبت به انجام تست غربالگری هپاتیت اقدام کنند. مهم آن است در صورتی که فرد به هپاتیت مبتلا باشد، اطمینان خاطر داشته باشیم که دارو دریافت کرده است».

او درباره چگونگی ارائه خدمات درمانی هپاتیت در کشور گفت: «اگر مبتلایان به هپاتیت تحت پوشش بیمه‌ای قرار داشته باشند، خدمات درمانی و دارویی به صورت رایگان است. مراکزی که خدمات دارویی بیماران مبتلا به هپاتیت را ارائه می‌دهند، تحت پوشش معاونت درمان وزارت بهداشت قرار دارند و آمار این افراد به صورت اتوماتیک در اختیار این معاونت قرار می‌گیرد». براساس اعلام رئیس اداره کنترل و مبارزه با هپاتیت وزارت بهداشت، برنامه کنترل هپاتیت در اختیار تیم اجرائی برنامه کنترل HIV نیز قرار گرفته است. برنامه کنترل HIV یک برنامه موفق در کشور است و از زیرساخت‌های برنامه کنترل HIV می‌توان برای بیماریابی فعال افراد مبتلا به هپاتیت استفاده کرد.

براساس اعلام وزارت بهداشت، نتایج یک مطالعه بیانگر این است که میزان جمعیت مبتلا به هپاتیت B در کشور کمتر از یک درصد است. همچنین میزان بروز هپاتیت C در گذشته عدد چهار در صد هزار گزارش شده که این میزان در حال حاضر حدود ۰.۲ است. اگر جمعیت کشور را ۸۵ میلیون نفر در نظر بگیریم، حدود ۱۷۰ هزار نفر به هپاتیت C مبتلا هستند.

### «شرق» از افزایش طلاق در سالمندان گزارش می‌دهد؛ جدایی‌هایی برخاسته از بحران معیشت و فرسایش عاطفی

# جدایی خاکستری

**فشارهای اقتصادی، ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی و حتی افزایش اختلالات روانی در دوران سالمندی بر روابط زناشویی تأثیر منفی می‌گذارند؛ طلاق در سالمندی پدیده‌ای چندعاملی است که باید آن را در بستر تحولات جمعیتی، اجتماعی، روانی و اقتصادی بررسی کرد**

مریم لطفی

«گاهی فکر می‌کنم بعد از ۵۰سالگی دیگر نباید حق انتخاب داشته باشم. زن اگر طلاق بگیرد، سرزنش می‌شود و اگر بماند، تحقیر. ما میان این دو راه می‌مانیم؛ بی‌صدا، بی‌پناه». این را زنی ۶۰ساله می‌گوید که پس از نزدیک به سه دهه زندگی مشترک، تصمیم به طلاق گرفت؛ تصمیمی دشوار که به قول خودش، نه از سر خشم بلکه از سر ناامیدی بود. روایتی از پس چهره‌ای به‌ظاهر آرام و مرفه، مادر سه فرزند، دو دختر و یک پسر.

اما آنچه در ظاهر دیده می‌شود، همیشه تمام واقعیت زندگی را بازتاب نمی‌دهد: «به شوهرم شک کرده بودم. پیگیری کردم، دنبالش کردم و فهمیدم خانه‌ای در سعادت‌آباد دارد و آنجا با زن‌های جوان رفت‌وآمد می‌کند. دنیا روی سرم خراب شد. حس تحقیر، خشم و اندوه تا مغز استخوانم نشست. انگار همه‌چیز را یکباره از من گرفته بودند. از آنجا به بعد دیگر ادامه زندگی برایم ممکن نبود». او می‌گوید تصمیم به طلاق، با وجود تمام دشواری‌ها، اجتناب‌ناپذیر بود. اما پس از جدایی، نه‌تنها آرام نشد، بلکه با مجموعه‌ای از چالش‌های جدید مواجه شد: «با وجود وضعیت مالی خوبی که داشتیم، در زندگی مشترک چیزی به نام من نبود. فقط یک ویلای کوچک در شمال داشتیم که بعد از طلاق مدتی آنجا زندگی کردم؛ تنها و دور از همه. اما بخش سخت‌تر ماجرا قضاوت اطرافیان، به‌ویژه فرزندانم بود. هیچ‌کس نپرسید که من در آن زندگی چه کشیده‌ام». آن‌قدر فشار اطرافیان و فرزندان به زن زیاد بود که در نهایت، مجبور به ترک ویلا شد و دوباره به خانه‌ای بازگشت که حالا دیگر نه نشانی از اعتماد در آن مانده بود و نه آرامش: «دوباره عقد کردیم و زیر یک سقف هستیم. فقط چون جایی برای رفتن نداشتم. اما حالا نه من همان زن سابقم، نه او همان مرد؛ فقط هم‌خانه‌ایم و وانمود می‌کنیم همه‌چیز عادی است».

این روایت فقط یکی از صدها داستان زنان و مردانی است که در میانه یا پایان دهه پنجم و ششم زندگی تصمیم می‌گیرند از رابطه‌ای فرساینده خارج شوند؛ تصمیمی که اغلب با قضاوت، تنهایی و فشارهای روانی همراه است. اما آنچه در پسِ این روایت‌ها قرار دارد، یک واقعیت آماری و اجتماعی عمیق‌تر است.

زنان و مردانی که یک عمر کنار هم زندگی کرده‌اند، اما حالا در آستانه ۶۰سالگی و بیشتر، تصمیم به جدایی می‌گیرند. طلاق در دوران سالمندی، دیگر یک اتفاق نادر یا عجیب نیست؛ پدیده‌ای رو به رشد است که آرام و بی‌صدا، در دل نسل سالخورده جریان دارد. پشت این جدایی‌های دیرهنگام، لزوما نه ماجرای خیانت ناگهانی یا اختلاف‌های پررنگ، بلکه سال‌ها انکار، سکوت، فشار اقتصادی، تنهایی و تغییر سبک زندگی نهفته است. حالا «طلاق خاکستری» به زنگ خطری تازه در ساختار خانواده ایرانی تبدیل شده؛ شکاف‌هایی که در سایه بی‌توجهی و بی‌صدایی، از درون گسترش یافته‌اند.

جواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور، به‌تازگی با هشدار نسبت به افزایش احساس انزوا در میان سالمندان ایرانی، اعلام کرده است که بیش از نیمی از سالمندان کشور دچار احساس غفلت و بی‌توجهی‌اند. به گفته او، طلاق در این گروه سنی رو به افزایش است و بخش زیادی از زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند؛ پدیده‌ای که می‌تواند نشانه‌ای نگران‌کننده از تضعیف روابط خانوادگی و اجتماعی در یکی از حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین مراحل زندگی باشد.

#### رشد بی‌سابقه در طلاق بالای ۶۰ سال

آمارهای رسمی سازمان ثبت‌احوال در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ به‌وضوح نشان می‌دهد که طلاق در سنین بالا، به‌ویژه در میان افراد بالای ۶۰ سال، روندی افزایشی داشته است. برای نمونه، در سال ۱۳۹۵ بیش از شش هزارو ۸۰۰ مرد و دو هزار زن بالای ۶۰ سال طلاق گرفتند. همچنین در سال ۱۳۹۷ حدود شش‌هزارو ۳۰۰ مرد و هزارو ۹۵۰زن سالمند به زندگی مشترک خود پایان دادند و در بیش از هزارو ۶۰۰ مورد، هر دو طرف بالای ۶۰ سال بودند. این روند در سال ۱۳۹۸ نیز ادامه یافت و طلاق در این بازه سنی به طور میانگین شش برابر بیش از طلاق در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال گزارش شد.

عکس: مجتبی محمدی/ ایرنا

به‌تازگی نیز مرکز آمار ایران برآورد کرده جمعیت سالمندان کشور تا سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۰میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیده است که از این میان، حدود ۶۷ درصد معادل ۶.۸ میلیون نفر، سالمندانی هستند که به دلایل مختلفی، چون فوت همسر، طلاق یا هرگز ازدواج‌نکردن، به‌تنهایی زندگی می‌کنند. با توجه به ترکیب جنسیتی، تخمین زده می‌شود که از میان این جمعیت، حدود ۳.۲ تا ۳.۵ میلیون نفر زن و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر مرد سالمند تنها باشند. همچنین ۸۰ هزار نفر از سالمندان کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند.

پیش‌بینی می‌شود این نسبت تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۳۰ درصد برسد که نشان‌دهنده سرعت بالای سالمندی جمعیت ایران است. این تغییرات جمعیتی، از یک سو باعث افزایش تعداد سالمندانی می‌شود که ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار گیرند و از سوی دیگر به طور مستقیم بر روندهایی چون طلاق در سنین بالا تأثیرگذار است.

اما نکته قابل توجه آن است که از ابتدای دهه ۱۴۰۰ به بعد، آمار رسمی دقیق و قابل دسترس درباره طلاق در میان سالمندان منتشر نشده است. با این حال، مقام‌های مسئول، از جمله رئیس سازمان بهزیستی و کارشناسان اجتماعی، بارها در سخنرانی‌ها و گزارش‌های رسمی بر روند فزاینده طلاق سالمندان تأکید کرده‌اند. این شکاف آماری، در حالی که شاهد هشدارهای متعدد درباره تشدید پدیده «طلاق خاکستری» هستیم، تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از ابعاد و پیامدهای این بحران اجتماعی را ضروری می‌سازد.

#### روایت زهرا، فرزند یک زوج میان‌سال در آستانه جدایی

زهرا، یکی از فرزندان زوجی است که حالا پس از چهار دهه زندگی مشترک در آستانه جدایی هستند. او در گفت‌وگو با «شرق» از تجربه زندگی در یک خانواده پرتنش و بی‌ثبات می‌گوید: «پدر و مادرم حدود ۴۰ سال است ازدواج کرده‌اند. پدرم متولد ۱۳۳۷ و مادرم متولد ۱۳۴۲. هر دو بازنشسته‌اند. اما واقعیت این است که در تمام این چهار دهه، رابطه‌ای پر از اختلاف و ناآرامی داشتند. خودشان بارها گفته‌اند که فقط به خاطر ما کنار هم مانده‌اند».

زهرا می‌گوید حالا که او و خواهر و برادرش هرکدام تا حد زیادی مستقل شده‌اند، والدین‌شان موضوع طلاق را صریح‌تر از قبل مطرح می‌کنند: «مادرم حتی تا مرحله مراجعه به دادگاه و مشاوره حقوقی پیش رفته؛ محاسبه مهریه هم انجام شده، ولی تا الان این روند به نتیجه نهایی نرسیده. علتش هم مخالفت پدرم است؛ بیش از هرچیز از تنهایی بعد از جدایی می‌ترسد. اما مادرم مدت‌هاست به‌شدت راغب به جدایی است. خودش با صراحت می‌گوید که در جامعه امروز، هیچ‌کس مجبور نیست هر شرایطی را به خاطر دیگران تحمل کند».

او ادامه می‌دهد که برای خودش و خواهر و برادرش هم طلاق والدین نه‌تنها موضوعی ناراحت‌کننده نیست، بلکه حتی می‌تواند به معنای پایان‌دادن به سال‌ها فرسایش روانی باشد: «ما سال‌ها در یک فضای پر از تنش، دعوا، بی‌ثبات و سرشار از ناامنی روانی بزرگ شدیم. هیچ وقت آرامش واقعی را در خانه تجربه نکردیم. حتی در برهه‌ای از نوجوانی‌مان به خاطر این فضای ناآرام، دچار پرخاشگری و اضطراب مزمن شدیم. به همین دلیل واقعا باور داریم که ادامه این زندگی مشترک برای والدین‌مان ضرورتی ندارد. چرا باید باقی عمرشان را در کهن‌سالی با جنگ و جدل بگذرانند، وقتی می‌توانند با آرامش جدا از هم زندگی کنند؟».

#### فقر، خانه‌به‌دوشی و سالمندی

طلاق تا همین یکی، دو دهه پیش مفهومی دور از ذهن برای سال‌های پیری بود. تصوری غالب وجود داشت که زوج‌هایی که از فراز و فرود جوانی و میان‌سالی عبور کرده‌اند، دیگر در سال‌های بازنشستگی و آرامش، راه جدایی در پیش نمی‌گیرند. اما حالا آمارها و نشانه‌های میدانی چیز دیگری می‌گویند: طلاق در سالمندی، هرچند هنوز فراگیر نیست، اما رو به افزایش است و پشت این اتفاق، دلایل ریشه‌داری نهفته است.

حسام‌الدین علامه، رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور، در گفت‌وگو با «شرق» روایت می‌کند که چرا طلاق در سال‌های پایانی عمر در حال رخ‌دادن است و چه چیزهایی باید برای مهار آن تغییر کند. او پیش از هر چیز از فشارهای اقتصادی می‌گوید؛ فشاری که فقط جیب را خالی نمی‌کند، بلکه روابط انسانی را هم فرسوده می‌کند: «بیش از ۶۱ درصد سالمندان کشور زیر خط فقر نسبی قرار دارند. از آن سو، هزینه‌های سلامت و مراقبت در سالمندی بالا می‌رود. بسیاری از سالمندان توان تأمین سبد معیشتی خانوار را ندارند. وقتی دخل و خرج با هم نمی‌خواند، خیلی چیزها به هم می‌ریزد». او به مسئله مسکن هم اشاره می‌کند؛ دغدغه‌ای که دیگر فقط مخصوص جوان‌ها نیست: «بیش از ۴۰ درصد سالمندان در کلان‌شهرها مستأجر هستند. کاهش درآمد و ناتوانی در اشتغال مجدد، تأمین اجاره‌بها را برای این گروه بسیار دشوار کرده است. این فشارها آرام‌آرام خودش را در روابط خانوادگی نشان می‌دهد».

علامه از تغییرات فرهنگی دهه‌های گذشته هم حرف می‌زند. از روحیه‌ای فردگرا که به تدریج جای خانواده‌محوری سنتی را گرفته است: «از نسل متولدین دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به بعد، شاهد پررنگ‌ترشدن منافع فردی در برابر منافع خانوادگی هستیم. این تغییرات فرهنگی وقتی با سال‌های سالمندی گره می‌خورند، باعث می‌شوند زوجین کمتر برای حفظ رابطه تلاش کنند». او تأکید می‌کند که سالمندی تنها یک دوره جسمی نیست، بلکه یک مرحله مهم روانی و ارتباطی است: «با بالارفتن سن، توان انطباق‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی افراد کاهش پیدا می‌کند. بسیاری از افراد سالمند به تدریج از نظر خلق‌وخو، شناخت و حتی حافظه دچار افت عملکرد می‌شوند. اگر برای این تغییرات فکری نشود، طبیعی است که رابطه زناشویی هم دچار فرسایش شود».

علامه می‌گوید ما هنوز آموزش سالمندی را به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی در نظر نگرفته‌ایم: «باید از حدود ۵۰سالگی به بعد، آموزش‌هایی در زمینه شناخت تغییرات روانی، جسمی و اجتماعی به افراد داده شود. اینکه اگر دچار تنش در رابطه شدند، از کجا کمک بگیرند؟ از کجا مشاوره بگیرند؟ چگونه تعامل را حفظ کنند؟ اینها باید از طریق نظام مشاوره، مراکز اورژانس اجتماعی و آموزش‌های گروهی ارائه شود».

او یکی از عوامل طلاق را تنهایی می‌داند؛ تنهایی‌ای که در پی یک زندگی عاطفی ضعیف در دهه‌های پیشین، در سالمندی خودش را به شکل جدی‌تری نشان می‌دهد: «اگر از دوره میان‌سالی آموزش داده شود که تعارضات زوجین چگونه باید مدیریت شود و اگر عواقب تنهایی و طلاق در سالمندی برایشان روشن باشد، احتمالا بسیاری از زوج‌ها با دوراندیشی بیشتری رفتار خواهند کرد». در کنار طلاق‌های واقعی، علامه به نوعی دیگر از جدایی هم اشاره می‌کند که کمتر درباره‌اش صحبت شده است؛ طلاق‌های صوری: «گاهی یکی از زوجین که درآمد کمتری دارد، برای اینکه بتواند از یارانه‌ها یا حمایت‌های اجتماعی بهزیستی و کمیته امداد استفاده کند، به صورت صوری طلاق می‌گیرد تا سرپرست خانوار شناخته شود و مشمول خدمات حمایتی شود. این اتفاق البته گسترده نیست، اما نشانه‌ای است از ناکارآمدی برخی سازوکارهای حمایتی».

#### طلاق، ما را نجات داد

«بهاره»، در سال‌های پایانی تحصیلش در دانشگاه بود که والدینش تصمیم به جدایی گرفتند: «من دانشجو بودم و حدود ۲۳ سالم بود. یکی، دو سالی بود که اختلافات میان پدر و مادرم شدت گرفته بود. علت اصلی، به نظرم، عدم استقلال فکری پدرم بود؛ حتی در حدود ۶۰سالگی. پروسه جدایی مادر و پدرم خیلی سریع و توافقی پیش رفت. من خودم مشوق این تصمیم بودم؛ چون می‌دیدم ادامه آن زندگی چقدر برای هر دو طرف آسیب‌زاست». او می‌گوید البته طلاق برای مادرش از نظر مالی سخت بوده است: «درآمد ثابتی نداشت و باید بار خانواده را به‌تنهایی به دوش می‌کشید. البته من دختر سربه‌راهی بودم و همیشه کنارش بودم. در نهایت مستأجر پدربزرگم شدیم تا فشار مالی کمتر شود. مادرم مهریه‌اش را هم به صورت اقساط تا حد زیادی گرفت که بخشی از آن هم تا زمان فوت پدرم باقی مانده بود». اما آنچه بهاره بیش از مسائل مالی بر آن تأکید دارد، تأثیر روانی محیط پرتنش قبل از طلاق است: «به نظرم طلاق در چنین شرایطی، اتفاق خوبی بود. فضای پر از دعوا و تنش، واقعا برای بچه‌ها ویران‌کننده است. فشار روانی دعواهای دائمی، از خیلی چیزها خطرناک‌تر است. اگر ترس از حرف مردم یا نگرانی برای آبرو نباشد، زن در موقعیت‌هایی خاص تصمیم بهتری برای خودش می‌گیرد. گاهی حتی ممکن است این حمایت، جان یک زن را نجات دهد، حتی در میان‌سالی و کهن‌سالی».

کارشناسان بر این باورند که عواملی همچون افزایش امید به زندگی، تغییر سبک زندگی پس از بازنشستگی و پدیده «آشیانه خالی» (جداشدن فرزندان از خانه و تنهاماندن والدین) از مهم‌ترین دلایل افزایش طلاق در سالمندان است. بسیاری از افراد در سنین بالا دیگر حاضر نیستند به صرف «تحمل» در یک رابطه ناسالم یا سرد باقی بمانند و با امید به بهبود کیفیت باقی‌مانده عمر خود، تصمیم به جدایی می‌گیرند. حسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به پیچیدگی تحلیل پدیده طلاق در سالمندی، بر لزوم درک این پدیده در بستر تحولات کلان جمعیتی کشور تأکید می‌کند.

به گفته او، «جمعیت ایران به طور پیوسته به سمت سالمندی در حال حرکت است؛ موضوعی که دست‌کم دو دهه است از سوی نهادهای علمی و جمعیت‌شناسی درباره آن هشدار داده می‌شود». کاهش نرخ باروری از یک سو و افزایش امید به زندگی از سوی دیگر، ترکیب سنی کشور را دستخوش تغییرات جدی کرده و موجب شده دوره پس از بازنشستگی تا پایان عمر برای بسیاری از افراد طولانی‌تر شود. موسوی‌چلک در ادامه به یک بُعد مغفول‌مانده در این روند اشاره می‌کند؛ نداشتن آمادگی روانی و اجتماعی افراد برای ورود به دوره سالمندی: «این دوره ویژگی‌ها، سبک زندگی و نیازهای روانی و عاطفی خاص خود را دارد، اما بسیاری از افراد بدون آمادگی کافی وارد آن می‌شوند. این ناآمادگی می‌تواند بر کیفیت روابط خانوادگی، به‌ویژه روابط زناشویی، اثرگذار باشد».

او در ادامه به پیامدهای طلاق در سالمندی می‌پردازد و می‌گوید: «طلاق در این سنین ممکن است جایگاه اجتماعی فرد را در چشم فرزندان، نوه‌ها یا اطرافیان خدشه‌دار کند. نگاه سنگین جامعه و فشارهای روانی ناشی از آن می‌تواند برای سالمند بسیار سنگین باشد». او همچنین از سایر عواملی می‌گوید که زمینه‌ساز گسست در روابط زناشویی در سالمندی می‌شوند: «فشارهای اقتصادی، ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی و حتی افزایش اختلالات روانی در دوران سالمندی نیز می‌توانند بر روابط زناشویی تأثیر منفی بگذارند. در مجموع، طلاق در سالمندی پدیده‌ای چندعاملی است که باید آن را در بستر تحولات جمعیتی، اجتماعی، روانی و اقتصادی بررسی کرد».

#### جدایی‌هایی دیر اما جدی

طلاق در دوران سالمندی شاید همچنان برای افکار عمومی عجیب یا دور از ذهن باشد، اما تجربه وکلای دادگستری از واقعیتی دیگر حکایت دارد؛ واقعیتی که در آن، زوج‌هایی پس از دهه‌ها زندگی مشترک، تازه به فکر جدایی یا مطالبه حقوق مالی می‌افتند. سارا باقری، وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با «شرق» از افزایش پرونده‌های طلاق در میان سالمندان می‌گوید؛ جدایی‌هایی که معمولا نه از سر هیجان یا واکنش لحظه‌ای، بلکه نتیجه سال‌ها سکوت، تحمل و انکار است. به گفته او، از منظر قانونی، روند طلاق در سالمندی تفاوتی با سایر گروه‌های سنی ندارد، اما در عمل، شرایط کاملا متفاوت است. حساسیت‌های خانوادگی، شرایط جسمی یا وابستگی‌های عاطفی باعث می‌شود بسیاری از سالمندان ترجیح دهند از مسیر توافقی وارد شوند.

ادامه در صفحه ۱۱

خبر روز

## پشت پرده کمبود شیرخشک

**ایرنا:** ماجرای کمبود شیرخشک بیش از آنکه ناشی از مشکلات تولید باشد، ریشه در سیاست‌گذاری‌های پیچیده و نادرست، اختصاص نامناسب یارانه و تأخیر در واردات شیرخشک‌های رژیمی دارد؛ موضوعی که با روایت‌های غیردقیق به نگرانی‌های خانواده‌ها دامن زده است و در واقع همه واقعیت گفته نمی‌شود. ماجرای کمبود شیرخشک در مقاطع مختلفی در سه سال اخیر به صدر اخبار سلامت آمده و برخی خانواده‌ها اعتراض‌هایی در این زمینه داشته‌اند، اما این کمبود به عوامل مختلفی ارتباط دارد. نکته مهم دیگر در این باره این است که کمبودها بیشتر به شیرخشک‌های رژیمی و البته بخشی از آنها مربوط است و نه همه انواع شیرخشک یا شیرخشک‌های رگولار، ولی این تفکیک معمولا در رسانه‌ها مورد توجه قرار نگرفته و به طور کلی از کلیدواژه «کمبود شیرخشک» استفاده می‌شود. به گفته تولیدکنندگان، میزان تولید و توزیع شیرخشک در کشور در سال جاری و با توجه به شرایط موجود مانند جنگ و قطعی برق، حتی از سال‌های گذشته نیز بیشتر بوده است. درعین‌حال، براساس آمارهای سازمان غذا و دارو در سال گذشته، بیشتر شیرخشک‌های مورد نیاز در کشور تأمین می‌شود و فقط حدود پنج درصد، وارداتی است؛ این پنج درصد هم محدود به شیرخشک‌های رژیمی خاصی می‌شود که به طور کلی در جهان توسط چند شرکت در حال تولید است.

هانی تحویل‌زاده، رئیس انجمن تولیدکنندگان شیرخشک اطفال، می‌گوید: «تولیدکنندگان شیرخشک در کشور هر سال نسبت به سال گذشته، بیشتر تولید کرده‌اند. میزان تولید شیرخشک رگولار یا عادی در تمام برندهای داخلی از ابتدای امسال تا اواسط تیر ۱۴۰۴ در کشور، ۲۲ میلیون عدد یا قوطی بوده که بیشتر از سال‌های گذشته است. یعنی تولیدکنندگان شیرخشک، امسال با توجه به شرایط خاص کشور و قطعی برق و کمبود نقدینگی، تاکنون بیشتر از سال‌های قبل شیرخشک رگولار یا عادی تولید کرده‌اند». به گفته او، ظرفیت سالانه صنایع تولید شیرخشک در کشور، ۱۲۳ میلیون قوطی ۴۰۰ گرمی است که سال گذشته، ۶۵ میلیون قوطی شیرخشک رگولار یا عادی در کشور مورد مصرف قرار گرفت. در واقع صنایع شیرخشک کشور، ظرفیت تولید بیش از دو برابر مصرف را دارند: «حدود ۱۵ درصد از شیرخشک‌های مصرفی در کشور، از نوع رژیمی است که بیش از نیمی از این موارد را تولید می‌کنیم و در این موارد کمبودی نداریم، ولی نیمی از این شیرخشک‌های رژیمی وارداتی هستند که در این موارد با کمبودهایی مواجه می‌شویم». او ادامه می‌دهد: «در سال ۱۴۰۰ تصمیم‌هایی درباره شیرخشک گرفته شد که تاکنون آثار آن باقی مانده است. شیرخشک تنها کالایی محسوب می‌شود که چندین یارانه به آن تخصیص داده شده و در نتیجه با قیمت بسیار ارزان در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در واقع یارانه شیرخشک هم به تولیدکننده و هم به عرضه‌کننده یا داروخانه‌ها داده می‌شود. این دو یارانه باعث می‌شود که قیمت شیرخشک در ایران نسبت به کشورهای همسایه بسیار کاهش پیدا کند که همین موضوع، زمینه قاچاق را فراهم می‌کند». او می‌گوید: «سیاست‌گذاری‌های نادرست باعث شده مصرف شیرخشک به شکل غیرضروری افزایش پیدا کند. در واقع یارانه‌ای به شیرخشک تخصیص می‌گیرد که قیمت آن را بسیار کاهش داده و تمایل خانواده‌ها برای مصرف شیرخشک توسط نوزاد بیشتر می‌شود». به گفته تولیدکنندگان، تفاوت چندانی میان شیرخشک‌های رگولار یا عادی وجود ندارد و مصرف این نوع شیرخشک کاملا به ذائقه نوزاد و طعم بستگی دارد؛ اما ماجرا درباره شیرخشک‌های رژیمی قدری متفاوت است. این شیرخشک‌ها که بخشی از آن وارداتی است، کاملا به تأمین و تخصیص ارز وابسته هستند و اگر تأخیر یا تعللی در این زمینه شود، با کمبود مواجه خواهد شد. گزارش‌هایی که مبنی بر کمبود شیرخشک در برخی رسانه‌ها منتشر می‌شود، مربوط به شیرخشک‌های رژیمی است. این دسته از شیرخشک‌ها در دنیا فقط در چند شرکت خاص تولید می‌شود.